

همان طور که به عنوان دبیر علمی همایش استحضار دارید، موضوع همایش مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، جمهوری و عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی است. عجلتاً در این فرصت، پرسش از تلازم عدالت و جمهوریت است که آیا دلالت التزامی بین این دو وجود دارد؟

سؤال خوبی است. ما اگر بخواهیم یک بحث صرفاً انتزاعی داشته باشیم و کاری به استقرار این دو مفهوم کلیدی و متعالی روی زمین نداشته باشیم، می توان قطع نظر از ارتباط و پیوند و تلازمشان، راجع به هر کدامشان جداگانه بحث کرد. بگوییم جمهوریت به لحاظ مفهومی چیست، چه دلالت ها، مفروضات و مبنایی دارد؟ عدالت چه مفهومی دارد و به چه معنایی است، عدالت فردی چیست، عدالت اجتماعی چیست، نسبت آن با فلسفه اجتماعی فردگرا و جمع گرا چیست؟ اما اگر می خواهیم بحث را روی زمین دنبال کنیم و توجه داشته باشیم به دلالت ها و موانع، فرصت ها و ظرف تحقق آن، خواه ناخواه، بنده جز تلازم بین این دو نمی بینم. می دانید چرا؟ چون عدالت و جمهوریت، هر دو، ذیل «حق شهروندی» تعریف می شوند. منتهاه حق شهروندی به معنای فردی آن، بلکه همان حقوق جامع شهروندی که در کتاب «حقوق شهروندی و عدالت» بحث آن را مبسوط مطرح کرده ام؛ این که حق هم فردی است، هم گروهی و هم جامعه‌ی. وقتی شما حق جامعه‌ی یا حق در سطح جامعه به مثابه واقعیتهای و رای جمع جبری افراد دنبال می کنید، این حق، هم

پیوند دهنده  
عدالت و  
جمهوریت،  
مفهوم «حق»  
است. حق، یک  
جامعیتی دارد که  
باید به آن توجه  
کنیم؛ بنابراین  
نمی توانیم به  
مقوله حق در  
وجه جامع آن  
بی تفاوت باشیم.

